



بخش ویژه

چکیده
بخشنامه هایی از مطالعه این مقاله برگرفته از تحقیقاتی است بنام «طراحی شهری و جایگاه آن در نظام سلسله مراتبی طرح های توسعه شهری» که با هدف آشنایی علاقه مندان - به ویژه تصمیم گیران و مدیران شهری - به جایگاه طراحی شهری در نظام مذکور، تدوین گردیده است.

خاستگاه اندیشه برنامه ریزی به اعمال حاکمیت دولت و تسهیل و توجیه دخالت دولت ها در اداره امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور ما برمی گردد. از پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، به دنبال حاد شدن مسائل ناشی از توسعه صنعتی و گسترش سریع شهرنشینی در غرب، مجموعه ای از نظریه ها و راه حل ها برای نظم بخشی و ساماندهی توسعه شهری در کشورهای مختلف امریکا و اروپا مطرح گردید، که در نهایت به پیدایش «دانش برنامه ریزی شهری و منطقه ای» در دهه سوم سده بیستم انجامید.

در دهه ۸۰ میلادی با روند جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، فروپاشی نظام سیاسی اتحاد شوروی، تقویت اتحادیه اروپا، کاهش مشروعیت و اقتدار دولت، افزایش نقش نهادهای مدنی و مشارکت، رشد تکثیر گرایی و نهادهای حفاظت و نظایر اینها، گرایش به برنامه ریزی غیرتمتر کر و افزایش اختیارات نهادهای محلی بیش از پیش تقویت گردید. در نتیجه الگوها و روش های برنامه ریزی نیز بدین ترتیب بیش از پیش به سوی برنامه ریزی مشارکتی و دموکراتیک کشانیده شد. اکنون برنامه ریزی دموکراتیک، نوعی الگو یا پارادایم جدید در برنامه ریزی شهری کشورهای پیشرفت به شمار می آید، که سوگیری نظری و عملی این رسته از دانش انسانی را به سوی اینده و شرایط سده بیست و یکم نشان می دهد. دانش طراحی شهری به کیفیت محیط شهری می پردازد و برای ارتقای آن تلاش می کند. در این میان طراحی شهری به عنوان ابزار رونق و توسعه شهرها، اهمیت زیادی یافته است. این اهمیت به خاطر رقابت روزافزونی است که میان شهرهای مختلف برای جلب سرمایه و توسعه اقتصادی در گرفته است. در کشور ما مدیران و تصمیم گیران، هنوز بر ضرورت دانش طراحی شهری و اهمیت ارتقای کیفی شهرهای مان برای خود شهر وندان و رقابت در عرصه جهانی پی نبرده اند و از مزایای اقتصادی و سیاسی آن کاملاً آگاه نیستند. در شرایط حاضر نظام هدایت شهری کشور با الگوی شناخته «طرح جامع / طرح تفصیلی» و به تازگی نیز با طرح های ساختاری - راهبردی، عمل می کند. اینک برنامه ریزان و طراحان شهری به این

طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری

فرهاد سلطانی آزاد
کارشناس ارشد معماری

حقیقت دست یافته‌اند که هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به بالارفتن کیفیت زندگی در مسیر توسعه پایدار، رفاه و عدالت اجتماعی است. دانش طراحی شهری، دانشی در کنار سایر علوم شهری است که می‌باید توانایی برقراری ارتباط و همکاری با دیگر دانش‌های مداخله‌گر شهری را داشته باشد. این دانش‌ها دامنه وسیعی از برنامه‌ریزی‌های کاربری و تراپری تا اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری، حقوق، مدیریت شهری، محیط زیست، روان‌شناسی و جزء اینها را در برمی‌گیرند. طراحی شهری می‌تواند به ریزترین جزئیات شهری در مقیاس خرد تا خالص در کلان‌ترین سطوح مدیریتی در جنبه‌های کیفی آن پردازد.

بانگاهی گذراهه تجربیات و فصل‌هایی از طرح‌های توسعه که به مسئله کیفیت پرداخته‌اند می‌توان دریافت که با هرچه نزدیک‌تر شدن به زمان کنونی، مسائل طراحی شهری چنان با تماه زمینه‌های شهر در می‌آمیزد که به صورت بخشی جدایی‌ناپذیر آن در می‌آید. دیدگاه طراحی شهری تنها متحصر به کنترل و حل مسائل سیما و منظر نیست، بلکه زمینه‌های بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد که جای همه آنها در طرح‌های توسعه شهری کشور ما خالی است.

مقدمه

تجربه سده‌های اخیر شهرسازی کشور، نشان از تأکید بر برنامه‌ریزی کاربری زمین، برنامه‌ریزی حمل و نقل و طراحی شبکه‌گذرنده دارد. در تمام طول این سال‌ها هیچ‌گاه بازتاب‌های روانی این اقدامات، که کیفیت محیط شهری را تشکیل می‌دهد، بر شهر و ندان مورد توجه قرار نگرفته است. دانش طراحی شهری به کیفیت محیط شهری می‌پردازد و درجهت ارتقای آن تلاش می‌کند.

طرح‌های شهری، چه در مقیاس طرح‌های جامع و تفصیلی و چه در ابعاد طرح‌های آماده‌سازی زمین که به جنبه‌های اجرایی ترو و عملی تر می‌پردازد، در محصول نهایی خود فضای شهری را به وجود می‌آورند. فضای شهری ابعاد کمی و کیفی را در بردارد که از آن میان دانش طراحی شهری به ابعاد کیفی شهر و فضای شهری توجه می‌کند. به این دیگر، برنامه‌ریزی کاربری زمین و حمل و نقل بدون توجه به تأثیرات روانی آن بر فضای شهری و کیفیت محیط شهری نمی‌تواند نقش مؤثر و اصلی خود را در هدایت و کنترل فضای شهری ایفا کند.

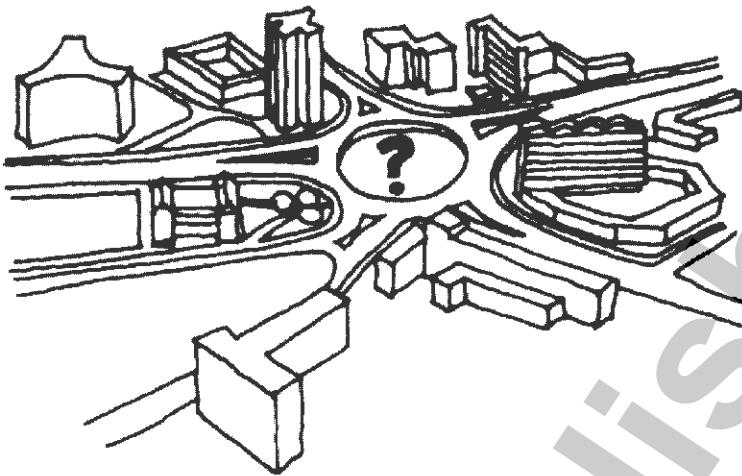
در شهرسازی کشور ماهیج گاه ابعاد کیفی فضای شهری در تمامی مقیاس‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. به رغم تلاش‌های انجام شده، طراحی شهری در سازو کارها و ابزارهای متدالو هدایت شهری کشورمان جای تثیت شده و رسمی پیدا نکرده، و در واقع جای آن در اسناد رسمی نظام هدایت شهری خالی است.

در شرایط حاضر نظام هدایت شهری کشور تحت الگوی ساخته شده «طرح جامع - طرح تفصیلی» و به تازگی نیز «طرح‌های ساختاری - راهبردی» عمل می‌کند؛ هرچند هنوز طرح‌های رایج و اجرایی شهرهای ما همان نظام جامع - تفصیلی است. در این نظام تأکیدات صرفاً بر بخش‌های برنامه‌ریزی و حمل و نقل است و جای سایر دانش‌ها و تخصص‌ها - از جمله طراحی شهری - در این نظام خالی است. این الگو باسخگوی موضوعات اساسی مانند حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، ایمنی و حفاظت از جان و مال شهروندان، هماهنگی کاربری اراضی با نظام حمل و نقل شهری (پیاده و سواره)، مشارکت شهر و ندان، مدیریت اقتصادی و اجتماعی، نظام سه بعدی، حفاظت تاریخی و میراث فرهنگی شهر و بسیاری از مسائل دیگر از این دست نیست.

نتیجه آن شده است که نظام هدایت شهری در مرحله تهیه اسناد برنامه عناصر اصلی هدایت کیفی را شامل نمی‌شود و در مرحله اجرا و تحقق پذیری نیز به دلیل غیرواقع بینانه بودن موفق نیست. سلطه ساختار متبرک تولید اسناد، موجب انزواهی این برنامه‌ها و دور ماندن آنها از واقعیت موجود می‌گردد و در نتیجه شهرهارا باتناقض و بی‌برنامگی روپرور می‌کند.

این مقاله به اهداف آشنای با جایگاه طراحی شهری در نظام سلسه مراتبی تهیه طرح‌های توسعه شهر، به ویژه تصمیم‌گیران و مدیران شهری، تدوین گردیده است.

به منظور تعیین جایگاه طراحی شهری نخست باید اهداف این اقدام را مشخص ساخت. این اهداف بدین شرح تعیین



می‌شوند:

- مشخص کردن جایگاه طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری.
- تعیین چگونگی تلفیق طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری در فرایند تصمیم‌سازی عمومی تهیه طرح‌های توسعه شهری.
- تعیین جایگاه طراحی شهری در فرایند تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری.
- مشخص کردن تأثیر تصمیمات برنامه‌ریزی شهری بر شکل شهر.

در فرایند تعیین جایگاه طراحی شهری در نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری، پرسش‌هایی از این دست می‌توانند مطرح گردند:

- ۱- رابطه طراحی شهری با برنامه‌ریزی شهری و سایر داشت‌های مداخله‌گر در شهر چیست؟
- ۲- دانش طراحی شهری با بروزهای طراحی شهری چه تفاوت‌هایی دارد؟
- ۳- جایگاه طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری کشور در وضع کنونی چگونه است؟
- ۴- در طراحی شهری مقایس مداخله به چه شکل مطرح است؟
- ۵- وظيفة طراحی شهری چیست؟

۶- قلمرو، روش و محصول طراحی شهری چیست؟
۷- چگونه می‌توان دانش طراحی شهری را درجهت انتلاعی نظام شهرسازی کشور به کار گرفت؟

۸- نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری در تجربه جهانی
مشائیله برنامه‌ریزی به اعمال حاکمیت دولت و تسهیل و توجیه دخالت دولت‌ها در اداره امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورها بر می‌گردد. بنابراین، اولین الگوهای برنامه‌ریزی دارای خصلتی کلان، اقتصادی، آمرانه و بوروکراتیک بوده‌اند.

در بستر چنین شرایطی «برنامه‌ریزی شهری» نیز در اوایل قرن بیستم با این هدف به وجود آمد که تمام فعالیت‌های مربوط به توسعه و عمران شهری را، چه در حال و چه در آینده، تحت انتظام و نظارت بخش دولتی درآورد. این نوع برنامه‌ریزی برپایه دیدگاه‌های «برنامه‌ریزی جامع» یا «برنامه‌ریزی عقلانی» استوار بود که در عمل به صورت الگوی طرح‌های جامع سنتی در جهان شهرت پیدا کرد. اما پس از چند دهه تجزیه و بروز مشکلات و تناقض ناموفق طرح‌های جامع در آریبا و امریکا، از اواخر دهه ۱۹۶۰ نظریه برنامه‌ریزی جامع مورد انتقادات جدی و تجدیدنظر قرار گرفت، و به جای آن رویکرد سیستمی و نظریه برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) در برنامه‌ریزی شهری به کار گرفته شد. این رویکرد جدید اگرچه دستاوردهای گران‌قیمتی را در زمینه بهبود و تکامل برنامه‌ریزی شهری به همراه داشت، از جمله آنها توجه بیشتر به طراحی شهری بود، ولی در میدان تجربه، مشکلات و تنگناهای جدیدی را به خصوص در زمینه اجراء مدیریت طرح‌های توسعه و عمران به ظهور رساند که پیدایش اندیشه‌ها و اصلاحات جدیدتر منجر گردید. در حدود دهه ۱۹۸۰، به دنبال ظهور تحولات تازه سیاسی، اجتماعی و فکری در جامعه غربی، در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز تحولات چشمگیری صورت گرفته که الگوها و چشم‌اندازهای کاملاً متفاوتی را در این زمینه مطرح ساخته است. از جمله اینها می‌توان به رویکرد و الگوهای جدید مثل «برنامه‌ریزی گام به گام»، «برنامه‌ریزی فرایندی»، «برنامه‌ریزی دموکراتیک»، «برنامه‌ریزی مشارکتی» و «برنامه‌ریزی حمایتی» اشاره کرد.

تحولات پادشاهه رامی توان در سه دوره دسته‌بندی کرد:

- ۱- الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع
- ۲- رویکرد برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی
- ۳- رویکرد برنامه‌ریزی دموکراتیک و مشارکتی

۱- الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع

از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به دنبال حادشدن مسائل فاشی از توسعه صنعتی و گسترش سریع شهرنشینی در غرب، مجموعه‌ای از نظریه‌ها و احتمال‌های نظم بخشی و ساماندهی توسعه شهری در کشورهای مختلف امریکا و اروپا مطرح گردید، که در نهایت به پیدایش «دانش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای» در دهه سوم قرن بیستم منجر شد. به نظر «بیترهال»، «بیشرون و متفکران اولیه برنامه‌ریزی شهری به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند که کمابیش در شکل گیری این دانش جدید مؤثر بوده‌اند:

الف - گروه انگلیسی - امریکایی (سنت انگلیسی - امریکایی): شامل کسانی مثل «بانزرهوارد» (نظریه باغ شهرها)، «کلارنس اشتاین» (نظریه واحد همسایگی)، «پاتریک گدس» (اصول طرح جامع)، «پاتریک ایریکامبی» (طرح جامع لندن) و فرانک لوید رایت (نظریه شهر گستره) و جزایان.

ب - گروه اروپایی (سنت اروپایی): شامل کسانی چون آرتورو سوربا (شهر خطی)، تونی گارنیه (شهر صنعتی)، لوکوربوزیه (شهر در خشان)، و دیگران (بیترهال، ۱۹۹۴).

در این الگو تمازی بینه شهر طبق روش‌ها و مبانی تحریدی، کارکردی و کمی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و براساس آن وضع آینده شهر پیش‌بینی می‌شود. محصول نهایی این طرح‌ها تعیین وضعيت کالبدی شهر و کاربری زمین در حال و آینده در قالب نقشه‌های تفصیلی و ارقام دقیق است که به صورت قانونی و الزام‌آور مبنای اقدامات خصوصی و عمومی در شهر قرار می‌گیرند.

طراحی شهری می‌تواند نقش اساسی در خلق وجهه و سیمای شهر، و از طریق آن در خلق وجهه بین‌المللی کشور در فراسوی مرزهایش ایفا کند

کشف راههای متنوع و موفق برای انتقال نتایج کاربردی اصول طراحی شهری به شهر وندان، قدرت تشخیص کیفیت‌های نازل محیط را در آنها افزایش خواهد داد و شهر وندان به صورت نیرویی سیاسی در مقابل فرسایش محیط شهری و تخریب آن عکس العمل نشان خواهد داد

کسانی مثل فالودی، لیندبلوم، جان فریدمن، چدویک، پیترهال، شین مک کونل و دیگران، این موضوع را در تأثیرات خود به صور مختلف مورد تحلیل قرار داده‌اند. به نظر اینان، برنامه‌ریزی جامع اساساً با امکان شناخت انسان از واقعیت شهر و امکان دخالت در آن بسیار فاصله دارد؛ و بنابراین عدم موقوفیت آن در عمل، امری بدیهی و محتوم است. با توجه به نتایج تمام این تحلیل‌ها و انتقادات می‌توان خصایل اصلی برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی عقلانی یا برنامه‌ریزی کلیشهای (blueprint) را به صورت زیر خلاصه کرد [فالودی، ۱۹۷۲- شین مک کونل ۱۹۸۱- هال ۱۹۹۴]:

- الف- خصلتی امرانه (از بالا به پایین) دارد و به گسترش بوروکراسی می‌انجامد.
- ب- برنامه‌ریزان و مردم نقش مؤثری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ندارند.
- پ- بیشتر جنبه کالبدی و مهندسی دارد و به کیفیات اجتماعی بی‌اعتنایست.
- ت- جنبه نقصیابی و قطعی دارد و امکانات تغییر و اصلاح در آن محدود است.
- ث- بیشتر جنبه ارمانی و انتزاعی دارد و با امکانات اجرایی متنطبق نیست.

۲-۲- رویکرد برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی

اصولاً دهه ۱۹۶۰، نقطه عطف در تحولات برنامه‌ریزی و طراحی شهری غرب محسوب می‌شود. در این دهه تغییرات مهمی در عرصه‌های نظری و عملی برنامه‌ریزی به وجود آمد که در نهایت به ایجاد تغییرات بنیادی در الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع سنتی منجر گردید. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

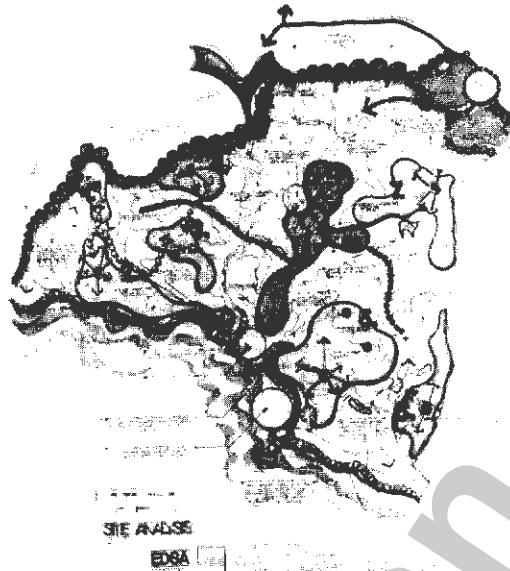
- الف- پیداپیش و رواج نظریه سیستم‌ها و دانش سیبریتیک
- ب- اختراع و رواج کاربرد کامپیوت در مطالعات برنامه‌ریزی
- پ- توسعه و تکامل دانش مدیریت و نظریه تصمیم
- ت- نفوذ نظریات علوم اجتماعی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری

با ظهور نظریه سیستم‌ها و پیدا مدن این اعتقاد که می‌توان با این روش به صورتی سنجیده‌تر و مؤثرتر در شهرها دخالت کرد، گروه مک‌لولن (Mc Loghlin)، چدویک و ویلسون در انگلستان دست به طرزنگری در محتوای طرح‌های جامع و اصلاح آنها زدند که در نهایت به صورت قانون برنامه‌ریزی شهری به تصویب رسید. طرح‌های توسعه و عمران شهری به دو نوع طرح‌های ساختاری و طرح‌های محلی تقسیم شدند. در امریکانیز همزمان الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی) مطرح گردید. محصول این دیدگاه سطوح مختلف فضایی و مدیریت هستند و در مقیاس‌های مختلف تهیه می‌شوند - مانند طرح‌های ساختاری و یا طرح‌های ناحیه شهری و طرح‌های موضوعی.

۳- الگوی برنامه‌ریزی دموکراتیک و مشارکتی

از حدود دهه ۱۹۸۰ تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اروپا و امریکا به وجود آمد که به نوبه خود تغییرات جدیدی را در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پدید آورد. از مهم‌ترین این تحولات می‌توان به روند جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، فروپاشی نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی، تقویت اتحادیه اروپا، گسترش مفاهیم جامعه‌مندی، توسعه پایدار، رشد دموکراسی و جبیش سویسیال دموکراسی جدید اشاره کرد. در بستر این تحولات، با کاهش مشروطیت و اقتدار دولت، افزایش نقش نهادهای مدنی و مشارکت، رشد تکثیر گرایی و نهادهای حفاظت محیط، گرایش به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و افزایش اختیارات نهادهای محلی بیش از پیش تقویت گردید و در نتیجه الگوهای روش‌هایی برنامه‌ریزی نیز بیشتر از قبل به سمت برنامه‌ریزی دموکراتیک سوق پیدا کردند.

با توجه به تجارت الگوی برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی و ارزیابی آن، از حدود دهه ۱۹۸۰ موضوع مدیریت و اجراء در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به محوری اساسی در حیطه نظری و عملی بدل گردید. در واقع در دو دهه اخیر، تجارت برنامه‌ریزی و طراحی شهری در غرب، برای تحقق اهداف خود به اصلاح روش‌های اجرایی و تأمین ابزارهای لازم روی آورده است. در انگلستان، اگرچه اصول طرح‌های ساختاری - محلی همچنان انتبار قانونی خودرا حفظ کرده‌اند ولی اصلاحات زیادی نیز در شیوه‌های تصمیم‌گیری، اجزا و مدیریت در طرح‌های توسعه و عمران شهری به وجود آمده است. در امریکانیز گام‌های بیشتری در جهت کاهش نابرابری، تأمین عدالت، گسترش رفاه عمومی، حفاظت از آثار فرهنگی، و اعتسالی کیفیت محیط در طرح‌های توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای برداشته شده است. در این میان موضوع طراحی



شهری بسیار بیشتر از قبیل مورد تأکید و توسعه قرار گرفته است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که برنامه‌ریزی دموکراتیک، در واقع بسط الگوی برنامه‌ریزی راهبردی است که با اصلاح و تکامل مبانی خود و با توجه به شرایط اجتماعی روز، بیشتر به برنامه‌ریزی عملی، اصلاح نظام مدیریت و اجرا و بهره‌گیری از امکنات مشارکتی روی اورده است.

۳- جایگاه طراحی شهری در نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری

به نظر می‌رسد بیش از بررسی جایگاه طراحی شهری در انواع طرح‌های توسعه شهری، بیشتر است به ضرورت پدید آمدن این داشت به عنوان نوعی تخصص مستقل با زمینه‌های فعالیتی خاص آن پرداخته شود.

شهر به عنوان پدیده‌ای پیچیده و سیستمی بود که مرتبًا در حال تحول و رشد است، به داشتی بیش از معماری یا برنامه‌ریزی شهری - و یا حتی ترکیبی از این دو - نیاز داشت تا به مشکلات کیفی آن پاسخ داده شود؛ آن هم پاسخی فراتر از «معماری کلان» و یا نوعی «برنامه‌ریزی» صرفاً عقلانی و منطقی.

دغدغه ارتقای کیفیت زندگی انسان، خصوصاً در محیط کالبدی و فضاهای عمومی، موجب تولد داشت طراحی شهری شده است.

اما علل دیگری که به رشد و توسعه این داشت در مال‌های اخیر کمک کردند، ماهیت اقتصادی / سیاسی / فرهنگی دارند. تحت تأثیر این علل، طراحی شهری به عنوان ابزاری برای رونق و توسعه شهرها در رقبابت میان شهرهای مختلف (که به طور روزافزونی برای جلب سرمایه و توسعه اقتصادی در گرفته) اهمیت زیادی یافته است. طراحی شهری می‌تواند نقش اساسی در خلق وجهه و سیمای شهر، و از طریق آن در خلق وجههٔ بین‌المللی کشور در فراسوی مرزهایش ایفا کند. با وجود این عوامل، هنوز در کشور ما مدیران و تصمیم‌گیران کاملاً بر ضرورت داشت طراحی شهری و اهمیت ارتقای کیفی شهرهای مان، چه برای خودشوندان و چه برای رقبابت در عرصهٔ جهانی، بی‌نیازهند و از مزایای اقتصادی و سیاسی آن کاملاً آگاه نیستند (گلکار ۱۳۷۸، صص ۵ تا ۸).

برنامه‌ریزی شهری در دههٔ سی و چهل میلادی بیش از هرچیز به برنامه‌ریزی کالبدی گرایش پیدا کرد و محورهای اصلی آن عبارت بود از پاسخگویی به نیازهای توسعه کالبدی.

البته در این دوران مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، اقدامات و گرایش‌ها در حوزهٔ شهرسازی جدید اروپا و امریکا به وجود آمد که از زوایایی گوناگون به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی توسعه و عمران شهرها معمولی بودند.

برخی از اینها تاثیراتی جدی بر مقوله‌های مرتبط با طرح‌های شهری و ابعاد کیفی طرح‌های جامع شهری به جای گذاشتند. در دههٔ ۶۰، عجبش انتقادی و سیمی بر ضد الگوی طرح‌های جامع و تفصیلی به راه افتاد، که بخش عمده‌ای از آنها معطوف به افول ارزش‌های کیفی و فرهنگی در شهرسازی جدید بود. به مبنای اصلاح روندهای جاری، تلاش‌های جدیدی در عرصهٔ نظری و عملی شهرسازی انجام شد که در نهایت به تقویت و گسترش داشت طراحی شهری، و تحقق اهداف و ارزش‌های کیفی طرح‌های شهری منجر گردید. از جمله عوامل مهم در این زمینه می‌توان به ظهور انواع نظریه‌ها، جنبش‌ها و الگوهای جدید اشاره کرد، که به طور مستقیم و غیرمستقیم در حیطه نظری و عملی طراحی شهری مؤثر بودند. از جمله اینهاست نظریات لیچ (در کتاب سیمای شهر)، گوردون کالن (Gordon Cullen)، ونتوری (Venturi)، الدو روSSI (Aldo Rossi)، گودمن (Goodman) و بیکن (Bacon)، که با طرح نظریات جدید در کتاب‌های شان، تحلولاتی اساسی در گرایش‌های طراحی شهری پیدا اورند. در همین دوران بود که توجه به اهمیت فضاهای باز و سبز، اولویت پیدا، و فضاهایی برای اوقات فراغت مطرح شد.

در سه دههٔ اخیر طراحی شهری جایگاه استوارتر و تعبیین کننده‌تری در نظام شهرسازی و مدیریت شهری یافته است و امکانات و ظایف آن وسیع‌تر و دقیق‌تر شده است. جنبش‌ها و جریان‌های فکری جدید در جامعهٔ غربی، دیدگاههای مربوط به شهرشنی و ساماندهی محیط زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، پست مدربنیسم، ساختارشکنی، توسعهٔ پایدار و نظایر اینها همگی نظریاتی هستند که برجهت گیری گرایش‌های مختلف در طراحی شهری مؤثر بوده‌اند.

تعاریف اولیه طراحی شهری بیشتر بر فرم و منظر شهری، زیبایی، ارتباطات توده و فضا معطوف بوده‌اند اما در دورهٔ اخیر

عناصر دیگری مانند مشارکت، فرایندی بودن، حفاظت منابع و محیط زیست و مسائل انسانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر نیز مناسبات میان دانش برنامه‌ریزی شهری و دانش طراحی شهری روش ترشده است، پاتر (Punter) در سال ۱۹۹۷ به تحولات دانش طراحی شهری از چند جهت اساسی اشاره کرده است:

- تغییر از نگرش زیبایی شناختی به سمت کیفیت محیط

- تغییر از اهداف اقتصادی به سمت اهداف اجتماعی

- تغییر از حرفه عملکردی به سمت دانش میان رشته‌ای

- تغییر از دیدگاه فردی و نخنجه گرا به سمت نگرش جمعی و انسانی

- تغییر از تأکید بر محیط انسان ساخت به سمت محیط طبیعی - مصنوعی

جدول شماره ۱- تغییرات میانی طراحی شهری - محیطی و مقایسه تأکیدات سنتی و جدید و پیشرو را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- تغییرات میانی طراحی شهری - محیطی

تأکیدات جدید و پیشرو	تأکیدات سنتی
کیفیت محیط	سیمای ظاهری
زیستن در نیازهای انسانی	نگریستن به نیازهای زیبایی شناختی
ارزش‌های استفاده کنندگان	سلیقهٔ تجگان
حل مسئله	شهود
تجربه گرایی	خردگرایی
میان حرفه‌ای	حرفه گرایی
فرایند	محصول
طراحی جمعی	طراحی شخصی
محیط انسان ساخت و طبیعی	محیط انسان ساخت
منافع عمومی	منافع کارفرما
پایداری محیط	شکوه شهر
سلسله مراتب مقیاس‌ها	بروزه

مأخذ: بعد طراحی برنامه‌ریزی شهری (پاتر، ۱۹۹۷، ص ۸۹) ۳- ۱- پیوند برنامه‌ریزی و طراحی شهری

یکی از کرایش‌های جالب در دهه‌های اخیر این است که برخلاف گذشته اقدامات برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در یکدیگر ادغام می‌گردند و بدین ترتیب فرایندی یگانه و هماهنگ در نظر گرفته می‌شود.

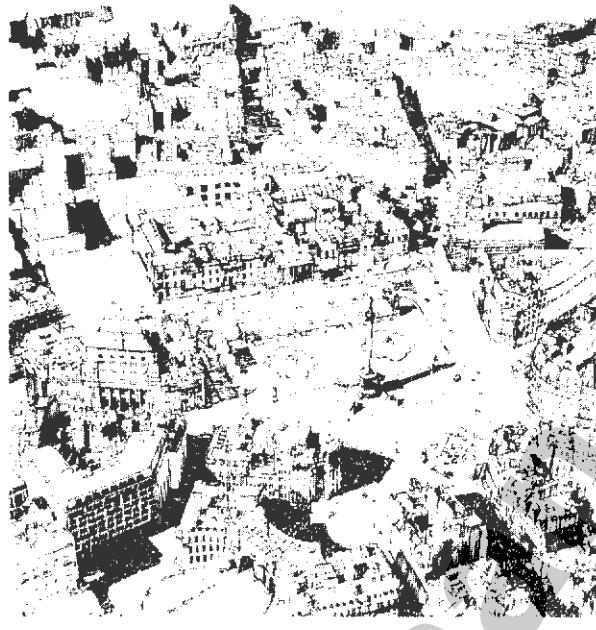
به نظر کالینگورث (Culling growth)، این رویکرد نوعی تحول تدریجی است که طی سه مرحله رخ داده است: در طول دهه ۱۹۶۰، موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخگویی به مسائل و بروزهای مشخصی مطرح گردیدند؛ در طول دهه ۱۹۷۰، اهداف طراحی شهری معمولاً در ضمن سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی گنجانده می‌شدند؛ در طول دهه ۱۹۸۰ ملاحظات طراحی شهری به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه‌ریزی پذیرفته شدند. (کالینگورث، ص ۱۰۹).

اینک بر نامه‌ریزی و طراحی شهری به این حقیقت دست یافته‌اند که هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به اعتصالی کیفیت زندگی در بستر توسعه پایدار و رفاه و عدالت اجتماعی است و بنابراین راهی جز همکاری و هماهنگی میان آنان وجود ندارد. از این نظر برنامه‌ریزی شهری به عنوان دانشی میان رشته‌ای، روز به روز با اهداف و روش‌های طراحی شهری هماهنگ‌تر می‌شود و متقابل‌آ طراحی شهری نیز به عنوان دانشی میان رشته‌ای به طور فرایندی به سمت همگامی با برنامه‌ریزی پیش می‌رود.

در عمل در بسیاری از طرح‌های توسعه و عمران شهری جدید، موضوعات طراحی شهری به عنوان یکی از عوامل پایداری در مطالعات و پیشنهادهای طرح، با توجه به مقیاس و نوع آن، مطرح می‌گردد و همانند سایر پیشنهادهای طرح توسعه شهریه مرحله‌ای‌جاگذشته می‌شود.

به عبارت دیگر، طراحی شهری با تعبیین اهداف و رویکردها در تمام مقیاس‌ها و در تمامی مراحل تهیه طرح‌ها حضور دارد و نقش خود را در کنار سایر رشته‌ها به قوت ایفا می‌کند.

اما در کشور ما هنوز بر سر موقعیت طراحی شهری و اینکه آیا این دانش بیش از بقیه دانش‌ها و یا بس از آنها وارد تبیه پرورده می‌شود اختلاف نظرهایی وجود دارد. هنوز مدیران متخصص ما به تمامی بر ماهیت واقعی دانش طراحی شهری تسلط ندارند و به جای تسری مسائل مربوط به طراحی شهری در تمام بخش‌ها، به دنبال تعیین مکانی خاص و متمایز برای آن در مراحل پرورده هستند و در بسیاری موارد جایگاه طراحی شهری را تهاده در پروژه‌های طراحی شهری (برای مثال، طراحی میدان، خیابان و جزایرها) می‌دانند؛ در حالی که طراحی شهری در تمامی مقیاس‌ها حضور دارد و از کلان‌ترین برنامه‌ها تا فضاهای جزء را در برمی‌گیرد.



۲-۳- جایگاه و نقش طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری

محور اصلی دانش طراحی شهری کیفیت محیط شهری است. این کیفیت در مورد عناصر مختلف شهری تجلی‌های گوناگون می‌یابد. این خواصی از الگوی شهر گرفته تا حس مکان برای فضاهای شهری، واژه‌منی و راحتی شبکه حمل و نقل خصوصاً پیاده گرفته تا دسترسی آسان پیاده به مراکز شهری و تداوم و پیوستگی فضاهای شهری را شامل می‌شود (انصاری نیله، ۱۳۷۷، ص ۱۱ و ۷).

تجلی تحقق این کیفیت‌ها، طیف وسیعی از مسایل گوناگون را - از سیما و منظر سه بعدی شهر تا مسائل مدیریتی - دربرمی‌گیرد، و بالطبع از طراح گرفته تا مدیر شهری هر یک به نوعی با آن درگیر می‌شوند.

«تحقیق کیفیت مصنوعی تردید با سطح انتظارات و توقعات شهروندان را بله مستقیم دارد. کشف راه‌های متنوع و موفق برای انتقال نتایج کاربردی اصول طراحی شهری به شهروندان، قدرت تشخیص کیفیت‌های نازل محیط را در آنها افزایش خواهد داد و شهروندان به صورت نیروی سیاسی در مقابل فراسایش محیط شهری و تخریب آن عکس العمل نشان خواهند داد (همان، ص ۷)».

در ادامه همین موضوع باید اشاره کرد که ارتقای آگاهی عمومی و افزایش دانش محیطی آنان از وظایف طراحی شهری است.

اما باید توجه داشت که دانش طراحی شهری، دانشی در کار سایر علوم شهری است، و می‌بایست توانایی برقراری ارتباط و همکاری با سایر دانش‌های مداخله گر شهری را داشته باشد. هرچند امروزه کمتر دانش رامی توان یافته که به نوعی با موضوعات مربوط به شهر درگیر نباشد، اما زمینه‌های خاصی وجود دارند که مستقیماً با شهر ارتباط می‌بایند. این تخصص‌ها دامنه وسیعی از برنامه‌ریزی‌های کاربری و حمل و نقل تا اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری، حقوق شهری، مدیریت شهری، محیط‌زیست و روان‌شناسی را دربر می‌گیرند. تمام دانش‌های مداخله گر شهری در شبکه‌ای پیچیده و متعامل به هم مرتبط هستند ولی موقبیت آنها بستگی به حمایت و مشروعتی قانونی جایگاه هر یک و نیز حمایت و آگاهی عموم دارد.

طراحی شهری نیز در تمام مقیاس‌ها پایه‌پایی سایر دانش‌ها متولی کیفیت و پایداری محیط شهری است. به این ترتیب طراحی شهری در خدمت ارتقای کیفی محیط و توسعه پایدار آن است، که سه عنصر فرم، عملکرد و معنای شهر را در بر می‌گیرد. طراحی شهری به بررسی ادراک شهروندان از فضا و رفتارهای آنها می‌پردازد و در خدمت بهینه‌سازی آنهاست. پرداختن به خاطرات و تحریمات مردم و افزایش تعاملات اجتماعی، در تخصص طراحی شهری (و نه هیچ تخصص دیگری) است. طراحی شهری به هر حال از دانش‌های دیگر کمک می‌گیرد و چیزی فراتر از ارایش و پرداختن به ظاهر و به عبارتی، صرفاً زیباسازی ظاهري - است. مهم‌ترین دلخواه طراحی شهری مباحث ادراک و رفتار انسان‌هادر محیط شهری و حفظ و ارتقای کیفیت شهر برای تمام شهروندان و برای تمام نسل‌هاست.

۴- اهداف طراحی شهری

قبل از تهیه هرگونه طرح توسعه، ابتدا به تعیین اهدافی نیاز است که طراحی شهری را از همان ابتدای کار در فرایند تهیه طرح، تصمیم‌گیری و هدایت پروژه‌ها وارد کند.

به همین دلیل نیاز به تعیین چارچوب‌های دقیقی برای اجرا و آشنازی کامل با شرایط محل و شناسایی موارد عملی و تحقق بذر از دیدگاه اجرایی، مدیریتی و اقتصادی اجتماعی وجود دارد (Design-Page 9). اهداف تعیین شده در طرح‌های توسعه شهرهای مختلف دارای دو بخش عده است:

۱- اهداف عام - اهدافی که کم و بیش برای هر شهر (فارغ از زمان و مکان) معتبرند.

۲- اهداف خاص - اهدافی که برگرفته از شخصیت محیط و تصویر ذهنی آن مکان‌های خاص هستند.

۴-۱- اهداف عام طراحی شهری

این اهداف توقعاتی هستند که هر شهر وند از شهر خود - فارغ از موقعیت محلی و نقش آن - دارد و لازمه وجود زندگی کیفی تمام افراد است. فضاهای شهری موفق، از خیابان و میدان گرفته تا شهر و روستا، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. بسیاری از آنها در عمل وجود مشترک زیادی دارند.

اهداف عام در طراحی شهری برای شهرها عبارتند از:

۱- کارکتر و هویت: ویژگی مکانی با هویت خاص خود ارتقای کارکتر در منظر شهری و منظر طبیعی با پاسخگویی و تقویت الگوهای شاخص محلی توسعه، منظر طبیعی و فرهنگی به دست می‌اید.

۲- تداوم و محصوریت: مکانی که فضاهای عمومی و خصوصی در آن کاملاً قابل تشخیص باشند. ارتقای تداوم نمای بنایها در خیابان‌ها و محصوریت فضاهای، به گونه‌ای که حوزه‌های خصوصی و عمومی رابه وضوح تعریف کند.

۳- کیفیت قلمرو عمومی: مکانی دارای حوزه‌های بیرونی جذاب و موفق ارتقای فضاهای عمومی و مسیرهایی که جذاب، ایمن و بدون ازدحام هستند در تمام زمینه‌ها و برای تمام افراد جامعه، حتی افراد ناتوان و مسن، به طور مؤثر کار می‌کنند.

۴- روان بودن و سهولت حرکت: مکانی که دسترسی به آن و حرکت از میان آن به سادگی ممکن باشد. ارتقای قابلیت دسترسی و نفوذپذیری محلی، به گونه‌ای که به راحتی می‌توان از میان آنها حرکت کرد. فضاهایی که مردم را برترافیک مقدم بدارد و کاربری زمین و حمل و نقل را به صورت یکارچه درهم آمیزد.

۵- خواناب؛ مکان، که تصویری، واضح و مشخص، دارد و ادراک آن، به سهولت ممکن است.

حضور طراحی شهری به صورت مجزا یا در تمام بخش‌های طرح، در طرح‌های توسعه شهرهای مورد بررسی

نام شهر	نوع طرح	بعض معزای طراحی شهری	محل طرح مباحثه‌کنی	تاریخ طرح
دہلی	طرح جامع	Master plan	ندارد	۲۰۰۱
گلاسکو	طرح ساختاری (راهبردی) Structure plan (Strategic)		ندارد	۱۹۹۷
سینائل	طرح جامع	Comprehensive plan	ندارد	۲۰۰۱
کلمبیا	طرح جامع	Comprehensive plan	ندارد	۲۰۰۰
بریستول	طرح محلی	Local plan	در بخش محیط مصنوع و توصیه‌ها	۱۹۹۰
استرالیا ترننت	استراتژی طراحی	Design Strategy	ندارد	۲۰۰۰
چکسون ول	طرح جامع	Comprehensive plan	دارد	۱۹۹۸
سانفرانسیسکو	طرح جامع	Master plan	دارد	۱۹۷۱

(ماخذ: مؤلف)

ارتقای خوانابی از طریق توسعه‌ای که در آن مسیرهای تفاححها و نشانه‌های شهری قابل شناسایی باشد و به مردم برای راه‌یابی کمک کند.

۶- انعطاف‌پذیری: مکانی که می‌تواند به راحتی تغییرات احتمالی را پذیرا باشد.

ارتقای انعطاف‌پذیری از طریق توسعه‌ای که بتواند تغییرات شرایط اجتماعی، فناوری و اقتصادی را پاسخگو باشد.

۷- تنوع: مکانی با تنوع و حق انتخاب

ارتقای تنوع و حق انتخاب از طریق ترکیبی از توسعه‌های همانهنج و کاربری‌هایی که با یکدیگر برای خلق مکان‌های کارآمد و پاسخگوی نیازهای محلی کار می‌کنند. (ماخذ: By Design، صص ۱۴ و ۱۵)

۴-۲- اهداف خاص طراحی شهری

اهداف خاص تحقق هویت هر شهر خاص را ممکن می‌سازند و بدون آنها شناسایی و تشخیص شهر، چه برای ساکنان و چه برای گردشگران و بازدیدکنندگان، غیر عملی است. این اهداف موجب می‌شوند که هر شهر از شهر دیگر تمایز گردد. خصوصیات اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی شهر نیز مستقیماً در تعیین این اهداف خاص دخیل هستند.

حفظ و تقویت حال و هوای شهر و محله‌های آن، و پراورده شدن توقعاتی که شهر وند یا گردشگر و بازدیدکننده از آن شهر دارد با تحقق اهداف خاص ممکن است. این اهداف جهت حرکت خاص هر شهر را که از سایر شهرها متفاوت است نشان می‌دهند.

اهداف خاص برای تحقق تعدادی از اهداف عام مانند کارکتر و هویت ضروری هستند. برای مثال، دو شهر بندری در ساحل خلیج فارس هر چند دارای وجود مشترک زیادی باشند اما خصوصیات متفاوتی دارند که آنها را از هم تمایز می‌کند.

تحقیق این اهداف خاص موجب حفظ خاطرات جمعی و نفاط ارزشمند در شهرها می‌شود و ویژگی‌های آنها را تقویت می‌کند. در حقیقت حال و هوای حس مکان در شهر و فضاهای آن تا حد زیادی به این اهداف خاص باز می‌گردد. در از مدت این موضوع نقش مهمی در افزایش جذابیت شهر و به تبع آن جذب سرمایه‌های فراوان به آن دارد.

یکی از اولین اقداماتی که طراح شهری در ابتدای تهیه هر طرح توسعه انجام می‌دهد، تعیین چشم‌انداز و دورنمای شهر (Vision) است. تعیین این امر نقش اساسی در تعیین چارچوب طرح‌ها دارد و مسیر حرکت و گام بعدی توسعه شهر را مین

می کند.

برای مشخص کردن چشم انداز آینده شهر از سه عنصر

عمده استفاده می شود:

۱- تصویر ذهنی شهر وندان

۲- انتظارات مدیران شهری، طرح های بالادست و برنامه

ارگان ها

۳- گرایش ها و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی

جامعه و شهر

تهیه تصویر ذهنی شهر وندان از موضوعات کار - با بررسی

طرح های اخیر شهرهای مختلف، مشاهده می شود که ابتدا

دیدگاه و هدف کلی برای شهر تعیین می گردد و سپس

مراحل بعدی تهیه طرح انجام می شود. از این دست است:

گلاسکو - شهر فرنگی، بریستول - شهر خوان، سیاتل -

شهری پایدار برای خانواده، و جز اینها (ماخذ: اینترنت،

طرح های توسعه شهرهای مذکور).

اهمیت دیدگاه های مردم در تهیه این چشم انداز آن قدر

اهمیت یافته است که از پرسش نامه و نظرخواهی های

عمومی برای جمع آوری آرای آنها استفاده می شود. در صورت تناقض چشم انداز شهر با تصویر و ساختار ذهنی مردم از شهر،

تأثیرات درازمدت و کوتاهمدت آن گریبان مسئولان و تهیه کنندگان طرح را خواهد گرفت. مهم ترین نمود آن تحقق

نپذیرفت طرح است؛ یعنی طرح مطابق نیازها و تصورات واقعی مردم نیست. این مسئله در بسیاری از طرح های توسعه در

شهرهای کشور مامعمول است.

از سوی دیگر، تعیین تصویر ذهنی به ما کمک می کند تا اهداف کلان و خرد را در تمام سطوح برای شهر تعیین کنیم و

نیروهای تخصصی جلوگیری می کند.

جدول شماره ۲- طرح مسئله چشم انداز شهر در طرح های توسعه شهرهای مورد بررسی

نام شهر	Vision*	نوع طرح
دهلي	دارد	طرح جامع
گلاسکو	دارد	طرح ساختاری (راهبردي)
سياتل	دارد	طرح جامع
كلمسون	دارد	طرح جامع
بریستول	دارد	طرح محلی
سارايوو	دارد	طرح جامع
چکسون ويل	دارد	طرح جامع
استوك آن ترنت	ندارد	استراتژي طراحی
سانفرانسیسکو	ندارد	طرح جامع

عمومی برای جمع آوری آرای آنها استفاده می شود. در صورت تناقض چشم انداز شهر با تصویر و ساختار ذهنی مردم از شهر،

تأثیرات درازمدت و کوتاهمدت آن گریبان مسئولان و تهیه کنندگان طرح را خواهد گرفت. مهم ترین نمود آن تحقق

نپذیرفت طرح است؛ یعنی طرح مطابق نیازها و تصورات واقعی مردم نیست. این مسئله در بسیاری از طرح های توسعه در

شهرهای کشور مامعمول است.

از سوی دیگر، تعیین تصویر ذهنی به ما کمک می کند تا اهداف کلان و خرد را در تمام سطوح برای شهر تعیین کنیم و

نیروهای تخصصی جلوگیری می کند.

۴- ۳- برداشت تصویر ذهنی در تجربیات جهانی

برای برداشت تصویر ذهنی، می توان آن را رسیدن به این اهداف مشخص سازیم. این کار از هدر رفتن سرمایه ها، منابع، زمان و

نیروهای تخصصی جلوگیری می کند.

تصویر ذهنی دارای دو صورت است: ۱) تصویر کلی از شهر؛ و ۲) تصویر اجزا (احجام و فضاهای شهری). سلسله مراتب

فضایی یا مقیاس های مختلف آن می باشد به روش خاص خود برداشت گردد و تأثیر عامل زمانی نیز در نظر گرفته شود.

برداشت نقشه ذهنی شهر وندان نیز از سایر وظایف تخصصی دانش طراحی شهری است که برای تعیین شخصیت

محیطی شهر از دید شهر وندان ضروری است.

نقشه ذهنی فرایندی است که از طریق آن انسان ها محیط فیزیکی اطراف خود را کدیدنی، ضبط و قابل استفاده مجدد

می کنند. نقش ذهنی درباره موقعیت فرد و خصوصیات فیزیکی محیط است و در حقیقت الگوی است از شهر که براساس

رفتارهای شهر وندان در محیط به دست می آید. هر چند نقشه های ذهنی افراد متفاوت است، اما با جمع بندی آنها می توان به

یک نقشه ذهنی جمعی برای شهر دست یافت.

به طور کلی برداشت دیدگاه و نظر شهر وندان چه به صورت توقی و انتظارات یا تصوری کلی که از شهر دارند (تصویر

ذهنی) و چه به صورت چگونگی ساختار فضای شهر در ذهن آنان (نقشه ذهنی)، از مهم ترین وظایف تخصصی طراحی

شهری در تهیه طرح های توسعه شهری است. این کار گرایش طراحی شهری را به مشارکت شهر وندان در عرصه های

همگانی نشان می دهد و در تداوم دیدگاه مشارکتی است که در بخش قبل به آن پرداخته شد.

به گفته اپلیارد (Appleyard)، گیفت یک شهر نمی تواند به تهایی از طریق تحمل نظام ساختاری، فکری و ارزشی

یک یا چند متخصص و طرح تعیین گردد.

نمود آشکار این موضوع، در انواع طرح ها و پروژه های شهری دهه اخیر است که در تمام مراحل تهیه طرح پروژه با

اعلام در روزنامه های محلی و عمومی، نمایش پروژه در مکان های عمومی مانند کتابخانه ها و موزه ها و حتی برگزاری

جلسات بحث و مشاوره، تشکیل کار گاه های جمعی به مردم شناسانی و معرفی می گردد و از مشارکت و دیدگاه های آنان

بهره برده می شود. این کار گاه ها و گروه های مشارکتی از ۵۰۰ نفر شامل می شوند و از ۱ تا ۵ وزو ز به طول می انجامند و

به جمع آوری دیدگاه های مردم می پردازند {By Design، ۷۷-۷۲}.

مدیریت و اجرای طرح های نیز با کمک مردم انجام می گیرد و برخلاف تصور مدیران شهری این مشارکت صرفاً از

دیدگاه اقتصادی و مالی نیست بلکه زمینه های حفظ و نگهداری، مدیریت، اجرا و سایر زمینه هارا نیز شامل می شود.

به این ترتیب می توان دریافت که دیدگاه طراحی شهری تنها منحصر به کنترل و حل مسائل سیما و منظر نیست، بلکه

زمینه های بسیار وسیعی را در بر می گیرد که جای همه آنها در طرح های توسعه شهری کشور مأخلی است.

نکته جالب توجه این است که حضور طراحی شهری تنها به مقیاس شهر یا مقیاس های خرد محدود نمی شود. این

فناوری های مبتدا شهروندان / شهروندان

تصویری است که گریبان گیر بسیاری از مدیران و طراحان ماست. آنها بازترین نقش طراحی شهری را در طراحی یک میدان، خیابان و یاتک فضای شهری می دانند. اما با نگاهی به استناد توسعه کلان کشورهای دیگر می توان دریافت که حتی در کلانترین سطوح مدیریتی و تصمیم گیری نیز طراحی شهری نقش عمده و تعیین کننده دارد و تصمیمات طراحی شهری، از اینجا که به مقولات کیفی بازار می گردد، در بالاترین سطوح تصمیم گیری نیز نقش دارد.

این گونه مسائل در قانون گذاری، از قوانین شهروندی تا تصریه های طرح های توسعه را در بر می گیرند و استانداردهای لازم الاجرا کشور ناگزیر است. رعایت اهداف کیفی در تمام زمینه ها استند.

در اینجاست که تعیین اهداف کلان و چشم انداز کشور، تا حالی، شهر یا روستا در طراحی شهری برای تحقق رشد و توسعه شهر اهمیت زیادی می یابد و تمام اینها و رای وظیف انسانی طراحی شهری در برخورد سه بعدی با منظر و سیما و مسائل زیبایی شناختی شهری است که مورد تصور عموم است.

۵- جایگاه طراحی شهری در طرح های توسعه شهری

طرح های شهری تا دهه سصت میلادی با دیدگاهی عملکردگرایانه و راسپوئالیستی تهیه می گردیدند و بحث های کفی در آنها به هیچ وجہ مطرح نبود. بخش های کمی و عملکردی همچون کاربری زمین و مانند آن عنصر غالب این طرح ها بود. نتایج این طرح ها نشان داد که هر چند توجه به عملکرد امری لازم است ولی به دلیل عدم توجه به تأثیرات نامطلوب عاطفی این تصمیمات بر شهر و ندان ناکافی است.

تفکر حاکم بر کارشناسان و برنامه ریزان تهیه کننده طرح های اروپایی و امریکایی دیدگاهی عملکردگرایانه و مدنیستی و پوزیتیویستی بود و مسائل کیفی هنور به دغدغه خاطر مختصه نشده بود. به ترتیج ناراضایی عمومی از محصولات این طرح ها و انتقاد شدید افرادی مانند جیکابز در امریکا و میجرلیچ در المان شدت گرفت. آنها عنوان می کردند که این طرح های می بايست مباحثت کیفی را دنبال کنند و متولی حل معضلات سه بعدی و فضایی شهرها باشند. این دیدگاه ها منجر به مطرح شدن مسئله طراحی شهری در طرح هاشد.

در دهه های هفتاد و هشتاد گروهی از طرح ها شکل گرفتند که به مباحثت طراحی شهری به عنوان بخش های جبرانی و مکمل طرح های نگریسته و در طرح های توسعه شهری خود به مطالعات کیفی محیط پرداخته اند.

در این دوره بحث های طراحی شهری یا به صورت مستقل در کتاب سایر بخش های تحت عنوان فصل طراحی شهری Urban Design Element مطرح می شد (مانند طرح جامع سانفرانسیسکو) و یا در مواردی که طرح های جامع یا ساختاری آنها به تازگی توصیب شده بود، طرح هایی جداگانه به عنوان مکمل طرح های موجود تهیه می شدند. همزمان با این طرح ها، طرح هایی نیز به منظور ارتقای کیفی فضاهای شهری ساماندهی و بافت های به صورت موضوعی و مقطوعی تعریف و تهیه شدند که به پروژه های طراحی شهری و یا طراحی فضاهای شهری معروف شدند. هر چند این طرح های جرأت کیفیت های مقصود در این فضاهای بود، اما در عین حال آنها نمی توانستند با دیدگاه داشش طراحی شهری را در طرح های توسعه شهری و در تمام سطوح مقیاس ها وارد کنند. آنها تنها به صورت جبرانی و تنها برای موضوعی خاص و در مقیاس خرد و به صورت کوتاه مدت تعریف می شوند و به همین دلیل نیز بعضاً به دلیل عدم هماهنگی با سایر بخش های شکست یا موقعیت نسبی مواجه می گردند.

از اواخر دهه هشتاد گروه دیگری از طرح های بچشم می خورند که عنصر طراحی شهری در آنها به عنوان فصلی مستقل دیده نمی شود بلکه بر عکس، مباحثت کیفی و دیدگاه طراحی شهری به عنوان نوعی تفکر شکل می گیرد و در تمامی جنبه های طرح دیده می شود. این تفکر که باعث تغیر ذهنیت کارشناسان فنی و برنامه ریزان اروپایی و امریکایی شده است بایگانه خود را در تمامی تخصص های بازی می باید و هر رشته ای که به مقوله شهر می پردازد ملاحظات کیفی را در مطالعات خود موردن توجه قرار می دهد. امروزه نه فقط طراحان و برنامه ریزان، بلکه حقوق دانان، مهندسان، متخصصان اقتصادی و جتمانی و مدیران شهری اروپا و امریکا به نقش تصمیمات خود بر کیفیت محیط شهری پی بردند، و دیدگاه و اهداف طراحی شهری در تمامی جنبه های طرح های توسعه شهری در تمام مقیاس ها جاری است. هر بخش بسته به تخصص و وظیفه خود مسائل کیفی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد و ضوابط، مقررات و راهکارهایی را در آن زمینه برای ارتقای کیفیت محیط، ارائه می کند.

امروزه طراحی شهری به عنوان نوعی نگرش و تفکر، جایگاه خود را در تمام مباحث مربوطاً به داشت های شهری یافته است و انواع طرح های تهیه شده، را از خردترین مقیاس ها (طراحی یک جزء فضای یک نمای شهری) تا مقیاس کلان مانند طرح های منطقه ای، در بر می گیرد.

برداشت تصویر ذهنی در طرح های توسعه شهرهای مورد بررسی

سال تهیه	تاریخ تصویر دهنی	نوع طرح	نام شهر
۱۹۹۴	دارد	Comprehensive plan	گلاسکو
۲۰۰۱	دارد	Comprehensive plan	سیاتل
۲۰۰۰	دارد	Comprehensive plan	کلمون
۱۹۹۸	نادرد	Design Strategy	استون ان ترن
۱۹۷۱	نادرد	Master plan	سانفرانسیسکو
۱۹۷۴	دارد	Analyse and planungshinweise zur stadtgestaltung	ویسیان
۱۹۷۴	دارد	Analyse and planungshinweise zur stadtgestaltung	بادن بادن
۱۹۷۱	دارد	Development plan	برمن
۱۹۷۴	دارد	Development plan	مونیخ

- منابع:
- ۱- انصاری نا، سیوش امبلوپت های طراحی شهری و ملوریت های مستولین، مجموعه مقالات طراحی شهری، سازمان زیباسازی شهر نهضان.
- ۲- گلکار، کوروش؛ کندو کاوی در تحریف طراحی شهری.
- ۳- مرکز مطالعه و تحقیقات شهرسازی و عمرانی ایران، پاکزاد، جهانشاد، طراحی شهری در نظام توسعه، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴.

4- By Design : Department of the Environment Transport and the Regions (DETR) and comission for architecture and the Built Environment (CABE), 2000

5- DOE; Planning Policy Guidance , PPGI: General Policy and Principles, Feb. 1997.

6- Cullin Worth, Planning in the USA , Routledge, London, 1997.

7- Punter J. & Carmona M.; The Design Dimension of Planning: Theory Content best practical for design Policies , E & Fn Spon, London, 1997.

- پاده اند:
- بعض از این نوشته با استفاده زافت های طرح تحقیقاتی به مام «طری شهری و جایگاه از در نظام سلسه مرتبی طرح های توسعه شهری» تهیه شده، می تواند در مطالعه توسعه شهری و برای مرکز مطالعه و تحقیقات ورزش مسکن و شهرسازی در حال انجام است.